



اهمیت و نقش آب و انواع آن در باغ ایرانی

میلاد امیدی

دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران
Milad.omidi93@yahoo.com

محمد امین عزیزمقدم

دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران
Arch.srttu@gmail.com

چکیده

از عوامل اصلی کوچ و یکجانشینی و مقدس ترین عنصر حیات انسان، آب بوده است. از دیرباز، در پهنه گرم و خشک ایران، مردم، قدر آب محدودی را که داشتند، می دانستند و از آن به بهترین نحو بهره می گرفتند. آدمی از همان ابتدا، حضور و ورود آب در میان درختان را برای آبیاری ضروری می دانست که بعدها، با پیدایش قنات ها، ورود و الحاق آب به باغ های ایرانی، تثبیت شد که به اشکال نهر و جوی، فواره و استخر تجلی یافت. شکلی از باغ ها، چهارباغ نام داشت که آب را در چهارمسیر عبور می دادند و به عبارتی دیگر، باغ را چهار قسمت می کردند که عموماً در مرکز آن، یک استخر و یک عمارت و یا کاخ تابستانی بود. با پیدایش دین اسلام، با نگاه ویژه قرآن، آب مورد توجه بیشتری قرار گرفت و به یکی از عناصر اصلی در باغ ها بدل شد. تا آن جا که در باغ فین کاشان، آن را مهمترین عنصر سازنده باغ می دانند. قرآن کریم، مستقیماً آب را عامل حیات و رشد طبیعت می داند که از آسمان فرو می ریزد و در زمین جای می گیرد و به صورت چشمه سر بر می آورد و گیاهان را پرورش می دهد. در طراحی باغ، معماران، با الهام از طبیعت، آب را در سه گروه، به صورت های نمادین خطی، نقطه ای و سطحی و به شکل های فواره، جوی و راه آب، استخر و حوض به کار می گرفتند. در این مقاله، سعی بر آن شده است که اهمیت حضور و نحوه ورود آب به معماری باغ های ایران، و شیوه های بهره گیری از آن را شرح دهیم. روش تحقیق این مقاله، میدانی، کتابخانه ای و عکس های مورد نیاز، از آرشیو نگارندگان گرفته شده است.

واژگان کلیدی: باغ ایرانی، آب، فواره، جوی، استخر



مقدمه

قرآن کریم برخلاف روش‌ها و اندیشه‌های کلامی و فقهی و فلسفی، که بیش از هزار سال است در جامعه اسلامی رایج و شایع شده‌اند، توجه و عنایت فوق‌العاده‌ای به طبیعت و عناصر طبیعت دارد که در این میان، آب از عمده‌ترین عناصر طبیعت به شمار می‌آید. به طوری که در میان ادیان الهی هیچکدام به اندازه اسلام، به ویژه قرآن کریم، به موضوع آب نپرداخته‌اند. آب، نماد و سمبل دانش است و در آیین میترا، آب به عنوان نشان زندگانی مطرح بوده است. استفاده از آب برای پاک‌ی و تطهیر انسان، از عناصر ضروری حیات می‌باشد. (نقی زاده، محمد، ۱۳۸۴). آب، از اصل‌ترین عناصر شکل‌گیری باغ و شاید بی‌اغراق، حیاتی‌ترین آن‌ها باشد. باغ‌سازی ایرانی، از زمان ورود آب به آن، در قالب جوی‌ها و حوض‌ها، به گونه‌ای که امروزه می‌بینیم، رونق و گسترش بسیاری پیدا کرد. نوع حضور و حرکت آب در باغ، پیرو نظم و قاعده‌بخصوصی است که از طرفی، مفاهیم آبیاری و از سوی دیگر، زیبایی‌شناسی و معماری را در نظر می‌گیرند و آنجاست که ذوق هنری معمار را می‌طلبد تا به شیوه‌ای هنرمندانه، ورود آب باغ را ندا کرده و مقدمش را پاس بدارد و به شکلی سنجیده، آن را در مسیرها جاری و با فواره‌ها و آبناها، تزئین کند. در اکثریت باغ‌های ایرانی، هدایت آب، تابع هندسه کاملاً منظمی است، که عمدتاً، دو محور عمود برهم، فضای باغ را به چهار قسمت و به تدریج به فضاهای جزئی‌تر تقسیم می‌کند. این گونه است که علاوه بر هدایت آب و جلوگیری از هدر رفتن آن، موجب پیدایش نظمی دقیق برای کاشت درختان و زیبایی باغ می‌شود. در این مقاله با هم به مطالعه نحوه حضور آب در شریان‌های باغ ایرانی خواهیم پرداخت.

معماری باغ‌های ایرانی

ساخت باغ در کشور ما سابقه‌ای طولانی داشته و در تمام دورانها بخصوص دوره اسلامی مورد توجه بوده است. باغ‌ها در کل عملکردهای مختلفی داشته‌اند و در بعضی دوران‌ها باغ‌های عمومی برای گردش و تفریح اهالی ساخته می‌شوند. در دوره اسلامی نیز ایجاد باغ‌ها و درخت‌زارها همچنان مورد علاقه ساکنان این سرزمین کهنسال بوده و علاوه بر باغ‌های بزرگ و با شکوه بیرون شهرها، چندین سده پدیده باغسازي در درون و پیرامون شهرها، خاص این سرزمین بوده است. در دین اسلام کاشتن درخت پسندیده و از بین بردن و قطع بیمورد آن نکوهیده شمرده شده و در این مورد احادیث و روایت فراوانی در دست است. از طرفی به دلیل اختلاف آب و هوایی مناطق مختلف ایران، بخصوص در مناطق گرمسیری باغ اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این دو موضوع و مسایل دیگر باعث شدند که در این سرزمین درخت به عنوان عامل گیاهی و حیاتی مورد احترام اهالی قرار گیرد.

باغهای ایرانی :

باغ ایرانی از قدیمی‌ترین و مهمترین باغ‌های جهان به شمار می‌رود. باغ ایرانی بیشتر حاکی از نیازهای روحی و کمتر متناسب با نیازهای آب‌قابل‌سنجش است. از زمان‌های قدیم بخش اساسی از زندگی ایران و معماری آن بوده در موجودیت آتشکده‌های بزرگ و تقویت نمادین آنها، سهم داشته است از زمان سومریان باغ، معبد و قصر سلطنتی را احاطه می‌کرد. زندگی در ایران به آب وابسته و در واقع آب عامل اصلی زندگی است. ایرانیان درخت را همراه با آب روان ترسمی کرده‌اند که مطلوبترین منظره در یک سرزمین خشک است. پس از آب درختان مهمترین نقش را در شکل‌گیری باغ ایرانی دارند. ایرانیان قدیم معتقد به فرشته مقدسی بودند به نام (اوروزا) که صدمه زدن به گل و گیاه موجب ناراحتی و خشم او می‌شد. ایرانیان بسیار پیشتر از سایر اقوام و ملل پی بردند که باغ‌سازی اساس کشاورزی است و نیکوترین شیوه باغ‌سازی را هم از زمانهای دیرین به دست آورده بودند. در دوران اسلامی، باغ‌های انبوهی کاخ را احاطه می‌کردند و از لحاظ معماری به صورت بخشی از آن در نظر گرفته می‌شد. به صورتی که باغ تمامی جوانب اصلی بنا را به صورت قرینه فرا می‌گرفت. سراسر محوطه به قطعات مستطیلی تقسیم می‌شد که از میان آنها جوی‌های کوچکی می‌گذشت. این باغ‌ها به پیروی از پیشینیان ایرانی ساخته می‌شوند از همان سده‌های نخستین هجری، باغ‌سازی به شیوه ایرانی به فراسوی مرزهای می‌رود و به مرور



زمان گستره خود را وسیع تر می کند. شیوه باغ سازی در کشورهای شرقی از باغ سازی ایران الهام گرفته است، در این اسلام کاشتن درخت پسندیده و از بین بردن و قطع بی مورد آن نکوهیده شمرده شده و در این مورد احادیث و روایات فراوانی در دست است.

عناصر باغ ایرانی

این عناصر که شامل چهار عنصر (زمین)، (آب)، (گیاه) و (فضا) هستند وقتی در منظومه فکری معماری ایرانی و با چهارچوب مفهوم و ایده باغ در کنار هم قرار می گیرند، باغ را شکل می بخشند. در این مسیر عناصر دیگری نیز ممکن است در شکل گیری باغ مورد استفاده قرار گیرند که یا عناصری فرعی به شمار می آیند و یا بخش هایی جزئی و جلوه هایی از حضور عناصر اصلی باغ اند.

آب نیز از عناصر اصلی باغ ایرانی است و دست کم از سه جنبه مفهومی، کارکردی و زیباشناختی در باغ حضور دارد. این جنبه ها در مباحثی همچون نحوه حضور آب در باغ و چگونگی گردش و حرکت آن، منابع تأمین آب و آبیاری باغ براحتی قابل پیگیری هستند. در بیشتر موارد قناتها و یا چشمه ها منبع اصلی تأمین آب باغ بوده اند و در بسیاری از موارد میزان آب و نحوه مدیریت و تقسیم آن در گذشته که معمولاً نیز بسیار دقیق صورت می پذیرفته، تعیین کننده مساحت باغ بوده است. طریقه آبیاری باغ ها که خود در ارتباط مستقیم با شکل و نوع زمین بوده در باغ ایرانی و شکل آن قابل توجه و بررسی است و البته با توجه به کمبود آب در بیشتر نقاط سرزمین ایران و همچنین قداست و احترامی که آب همواره در گذشته از آن برخوردار بوده و علاقه وافر ایرانیان در بکارگیری آب در باغ باعث شده تا آنها آب را به شیوه های گوناگون در باغ به حرکت آورده و بر زیبایی و لطافت آن بیفزایند.

عناصر فرعی باغ بیشتر شامل عناصری می گردند که جلوه هایی از حضور عناصر اصلی باغ اند و در هر کدام از عناصر اصلی می توان این جلوه ها و عناصر فرعی را همچون عناصر تزئینی، استخرها، حوض ها و ... دنبال کرد.

اهمیت آب در اسلام

آب در قرآن اهمیتی عمیق دارد. خداوند در آیات متعدد، انسان را به تفکر در آب و شکرگزاری این نعمت بزرگ یادآور شده است. ("أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ" - واقعه: ۶۸). عرش خدا بر روی آب و بهشت، به صورت باغ هایی که نهرهایی زیر آنها جاری است، تشریح می شود. از آیات الهی می توان دریافت که در قرآن، آب با ارزش ترین آفریده خداوند بعد از انسان می باشد.

در قرآن کریم، آب رزق الهی است و باید از آن بجا استفاده شود. در آیه ۴۸ سوره فرقان، خداوند عالی ترین وصف را به آب نسبت میدهد و آن را مظهر طهارت و پاکی میدانند ("... و انزلنا من السماء ماء طهورا") و در آیه ۲۲۲ سوره بقره ("... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ")، خداوند از پاکان و دوست داشتن آن ها یاد می کند و آب نیز طاهر و مطهر است و می تواند عامل تقرب یافتن بندگان به مصدر لایزال الهی باشد.

پیامبر اکرم (ص) در ضمن حدیثی می فرمایند: "از جمله اعمال و نیکی های مومن، که بعد از مرگ بدو میرسد، نهری است که به کمک او جریان یافته باشد. (نهج الفصاحه، ۱۳۷۶) امام کاظم در حدیثی می فرمایند: "نگاه کردن به آب، چشم را روشنی می بخشد" (کتاب الخصال: ۹۲) و امام صادق نیز نگاه به آب را، موجب نورانی و شاداب شدن چهره می دانند. (همان: ۲۳۷)

آدمی، مخلوقی پیچیده از روح و ذهن و جسم است. همان گونه که جسم، با غذا سکون می یابد، روح و ذهن نیز، عوامل و عناصری را می طلبد که به او آرامش بخشد. آب چه در حال سکون و چه در حرکت، نوازش دهنده روح آدمی است. لذا آب به عاملی برای آرامش بدل می شود و از این رو به معماری ورود پیدا می کند که شاخص ترین آن، باغ ایرانی است. تلفیق و بکارگیری آب در معماری، روح انسان را تسلی می بخشد، و استفاده صحیح آن، انسان را از عالم مادی جدا می کند. تحریک حواس بینایی و شنوایی و وادار کردن انسان به دیدن و شنیدن طبیعت و ذوق و هنر معمار برای ایجاد علاقه در دنبال کردن



صدای آب، از ویژگی های معماری آب است. چنانچه ارتباط آب با انسان مدنظر باشد، باید در طراحی و معماری آن، پیام های دعوت به چشم بخورد. ارتباط با آب برای بسیاری، یک مفهوم با اهمیت و مرسوم است. در بررسی باغ های کهن ایرانی، می توان این گونه پنداشت که در هر جا چشمه یا جوی آب بود، درختی می کاشتند و باغی پرورش می دادند و زیبایی آن را با آب نما های زیبا، صدچندان می کردند. از ذوق های هنری معماران ایرانی در استفاده از آب، تلفیق آن با زیبایی باغ هاست. آب در باغ، شکل دهنده شخصیت محیط اطراف است و جریان آب، راهنمای انسان در فضای باغ است. حرکت و موسیقی آب، در جلوه گری بیشتر فضای سبز اطراف، که خود نیز ریشه در آب دارند، نقشی انکار ناپذیر است. مسیر جریان آب را در جویبارها برای شنیدن صدای دلنواز آب پله پله می کردند. درکف آب نماها و بیشتر جاهایی که آب فرو می ریخت، تخته سنگی با تراش و طرح های مختلف می گذاشتند که موج آب را زیبا جلوه دهد. درباغ ایرانی، معماری باغ، معماری آب است و درهم آمیختگی آب و بنا، پدیدآورنده حماسه ای بی نظیر از شعر و شکوه و موسیقی درخوت درختان است. از دیرباز، اصلی ترین عامل پویایی باغ های ایرانی، آب جاری بوده است که در چهار باغ ها، جویبارها و جوی های کم شیب و مارپیچی به حرکت در می آمد و هوای باغ را مطبوع و دلپذیر می ساخت. باغ های ایرانی مشحون از کاربردهای آب در قالب چشمه ها و نهرها، حوض ها، فواره ها و آبشارهایی است که زیبایی باغ را افزون می کند. (محمودی نژاد، و صادقی، ۱۳۸۸). عناصر اصلی و چهارگانه باغ های ایرانی، عناصر ساختمانی، عناصر روشنایی، عناصر گیاهی و عناصر آبی هستند. عناصر آبی شامل استخر، حوض، آب نما و آبشار، جوی آب و فواره، مظهرقنات و دریاچه مصنوعی هستند. وجود آب نما و استخر در باغ های قدیمی ایران، یکی از ضروری ترین عناصر ایجاد باغ بوده و استخر غالباً عمیق و دارای چندین فواره بوده است. (نعیما، ۱۳۸۵)

از ویژگی های آب در باغ های ایرانی، میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

استفاده از انعکاس و صدای آب در باغ ایرانی

استفاده اقلیمی از آب به منظور تلطیف و خنکی فضا

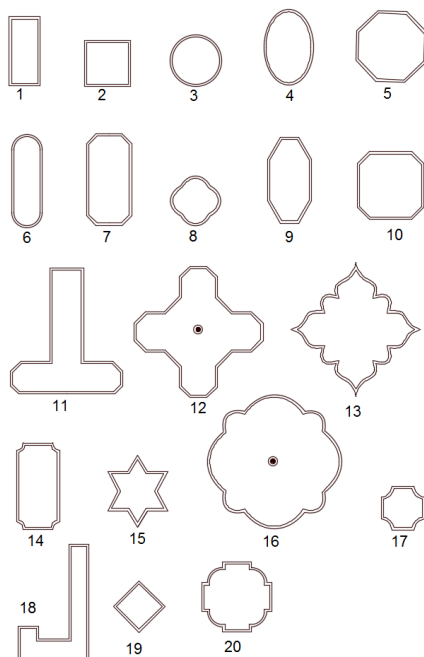
استفاده از حرکت آب در شکل گیری باغ به عنوان عنصری اصلی

معنادار بودن هر کدام از جلوه های گوناگون نمایش آب در باغ به عنوان یک نشانه (ویلبر، ۱۳۴۸)

در سفرنامه "فیگویرا"، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، دیدگاهش از باغ تخت شیراز، چنین بیان شده است:

«استخر، از سه طرف، به اندازه چهار پنج پله از زمین حرمسرا بلندتر و پهلوی چهارم آن هم سطح باغ است. از طریق جویی به عرض سه و عمق نیم پا، آب فراوان بسیار زلال از باغ به استخر وارد می شود. این جویبار همواره تا حدود گذرگاه آجری اطراف استخر، لبالب از آب است. آب، پس از عبور از استخر، از طریق جوی دیگر که مقابل جوی نخستین واقع شده است، از شکافی در سنگ مرمر کناره استخر که به شکل صدف ایجاد کرده اند، خارج می شود و بار دیگر به باغ می ریزد. آب استخر هنگام خروج از شکاف صدفی شکل، اشکال و مناظری چنان زیبا به خود می گیرد که گویی از ظرفی که از گرانبهاترین بلور ساخته شده باشد، خارج می شود.»

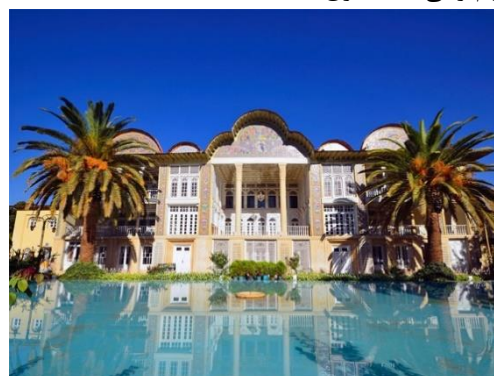
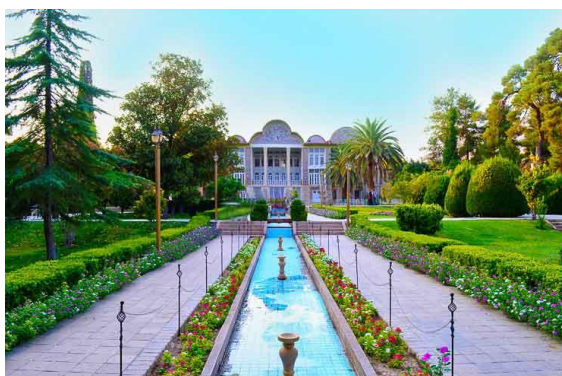
هم چنین در کتاب "طبس شهری که بود" که به مطالعه باغ های قدیمی طبس پرداخته است، دسته بندی انواع حوض های طبس چنین آمده است:



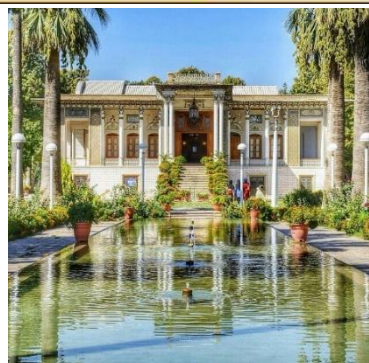
انواع حوض ها در باغ های طبس، مأخذ: بهزاد، زهرا، حیات در رگ های باغ ایرانی، ۱۳۹۵

ادراک محیطی

همان گونه که در باغ های کهن ایرانی شاهد هستیم، آب در ساخت این بناها، صرفاً برای آبرسانی و آبیاری باغ نیست. بلکه از حرکت، پویایی و زیبایی حاصل از حضور آب، بهره برداری لذت بخشی شده است. درباغ ارم شیراز، انعکاس نقش عمارت درآب، شکوه و زیبایی آن را افزون می کند. همچنین این ذوق هنری، در باغ عفیف آباد شیراز نیز تکرار شده است. چه کسی است که از انعکاس این کاخ ها درآب حظ نبرد. درباغ دلگشای شیراز، آب از همان ابتدای مسیر، با حرکت و صدای دلنشین خود ما را همراهی می کند تا به کاخ برسیم. در میانه راه، شکسته می شود تا فضاهای اطراف باغ را به ما نشان دهد. علاوه برآن در باغ فین، فواره ها، باتناسبات زیبا و موسیقی آرام خود، گوش ها را نوازش می دهند تا در نزدیکی کاخ اصلی، ما را به حوضچه ای آرام و بی صدا سوق دهند.



تصویر ۱-۲، باغ ارم شیراز



تصویر ۳-۴، باغ عفیف اباد شیراز

در سده‌های گذشته، اغلب، باغ‌های کهن ایرانی را در مناطق گرم و خشک و کم آب و در مجاورت چشمه یا قنات و در زمین‌های شیب‌دار احداث می‌کردند که ذاتاً وجود باغی سرسبز در میان خشکی اطراف، دلنواز بوده و با ایجاد پلکان در مسیر آب درون باغ، جریان آب، ملایم و یا تند و پر سر و صدا می‌شد. بزرگی باغ و ستبری درختان آن، تماماً در گرو حجم و مقدار آب برای آبیاری آن بود.

در باغ‌های ایرانی، برای ایجاد محیطی آرام، خنک و پرسایه، چاره‌ای جز احداث جوی‌های آب در طول تمام باغ نبوده است و معمولاً این جوی‌ها در تقاطع‌ها به حوضچه تبدیل می‌شدند. آب، از جوی‌هایی که اغلب از حوضخانه عمارت باغ آغاز می‌شد، جریان پیدا کرده و در فاصله‌های منظم، با استفاده از شیب طبیعی زمین، با تکرار آبشارها، به داخل حوضچه‌ها روان می‌شد. آب نما که از ضروری‌ترین عناصر ایجاد باغ محسوب می‌شد، بیشتر در مقابل عمارت باغ احداث می‌گردید و بُعد اصلی آن، در جهت طول ساختمان و به شکل‌های مستطیل، مربع، چند ضلعی و دایره بود. گاهی در داخل عمارت‌های باغ‌های قدیمی نیز آب نما ساخته می‌شد که در اصطلاح به آن محل، حوضخانه می‌گفتند. ساکنان باغ، در روزهای گرم تابستان، به ویژه هنگام نیمروز، در کنار آب نما به آسایش می‌پرداختند.

حضور آب در باغ سه مرتبه دارد؛ ۱- ورود آب به باغ است. ۲- حضور آب در داخل باغ است. ۳- مرتبه آخر خروج آب از باغ است.

آب‌های ساکن باغ ایرانی شامل دریاچه‌های مصنوعی، طبیعی و یا فصلی، استخرها و حوض‌ها هستند. حوض و استخر به اندازه‌های متفاوت در باغ ایرانی ساخته شده است. این دو عنصر، در قسمت‌های مختلف باغ، در مقابل ساختمان، یا گوشه میان باغ و در فضای داخلی وجود دارند. تصویر درختان در آب، همواره مورد پسند و توجه ایرانیان بوده است. (سمیعی، ص ۱۷۵) «آب‌های راکد، بطور طبیعی انعکاس‌دهنده تصاویر هستند و به دلیل انعکاس‌پذیری خود، عامل تعیین‌کننده‌ای در ترکیب می‌باشند. سطح آینه‌ای آن‌ها محیط اطراف را می‌پذیرد و سپس منعکس می‌کند. آن‌ها منعکس‌کننده آسمان بی‌کران هستند؛ در واقع نماد آسمان بر روی زمین می‌باشند.» (سمیعی، ۱۳۸۶، ۲۱۵) در استخر و یا حوض با آب ساکن، می‌توان تصاویر محیط اطراف را دید. در واقع، آب مانند آینه تصاویر را باز می‌تاباند.

شناخت منبع آب، در تحلیل چگونگی حضورش در باغ لازم است. در این مرتبه، آب دارای دو وظیفه عملکردی و نمادین است. یعنی از بُعد عملکردی به آبیاری درختان و گیاهان پرداخته و باعث ایجاد طراوت در فضا می‌شود و از بُعد نمادین، به عنوان تجلی مفهومی خاص، به صورت منظری برای دیدار، نمود می‌یابد که در حقیقت، به نیاز درک وجودش پاسخ می‌دهد.

آب در محیط مصنوع

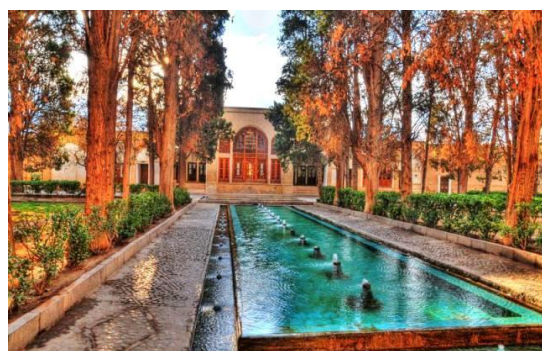
هنگامی که آب از زندگی طبیعی خود خارج و به مصنوعات انسانی ملحق می‌شود، معنایی متفاوت پیدا می‌کند. ایجاد شرایطی جدید برای آب و قابل لمس برای انسان در پیچ و تاب جویبارها و جهش فواره‌ها، برای آرامش باغ ضروری است.



بطور کلی، نظام جریان آب در باغ را می‌توان به دو نحوه فورانی و حرکت روان تقسیم کرد. در جریان فورانی، آب بسان چشمه ای در داخل حوض ها می‌جوشد و یا با استفاده از فواره ها، به سوی بالا می‌جهد. در حرکت روان، آب در جوی ها روانه شده و از نهري به نهري ديگر می‌ریزد و یا در حوض هایی جاری شده و در مسیر خود، آبشارهایی را پدید می‌آورد. در تحلیل حرکت آب در باغ، درمی‌یابیم که مبنای حرکت، میل آب به صعود و نزول است. به گونه ای که در حالت فورانی (میل بر صعود)، از فشار حجم خود استعانت گرفته و در حالت حرکت روان (میل بر نزول)، از نیروی جاذبه زمین، بهره می‌برد. از این رو، نظام جریان آب در باغ را می‌توان در دو بخش تقسیم کرد: نظام جریان آب تحت فشار و نظام جریان آب تحت تاثیر جاذبه. انسان، آب را به سه شکل در اختیار می‌گیرد: نقطه، خط، سطح

نقطه: در ابتدا، تجلی آب را می‌توان در چشمه ها یافت. چشمه ها، از نعمات الهی، منشأ حیات هستند که باعث پدید آمدن روستاها و شهرهای شعاعی و مرکزگرا و از عوامل پیوند مردم در روزگار گذشته بودند. نوآوری بشر در الهام از چشمه ها، فواره ها بود که تمثیل زیبایی از فراز و فرود را تجلی و صدای دلنشین آن، همه را مجذوب می‌کند. فواره ها، در واقع موسیقی فضا محسوب می‌شده اند و نشانه ی تسلط انسان بر طبیعت هستند. فواره ها به صورت خطی در کنار هم، می‌توانند هدایت کننده انسان به سمتی از باغ با کاخ اصلی باشند که نمونه آن را می‌توان در باغ فین کاشان دید.

خط: تجلی خطی آب در طبیعت، رودخانه یا نهر است. نقطه اوج تصویری که از طبیعت در قرآن اشاره شده، "جنات تجری من تحتها الانهار" است و به معنی بوستان هایی است، که در زیر آن جوی های آب جاری است. (نعبما، ۱۳۸۵) نهرها و جویبارها، هم از لحاظ مادی و هم معنوی، ارتباط دهنده هستند. جویبارها، درون باغ، علاوه بر آن که پیوند دهنده طبیعت و معماری هستند، عناصر مختلف باغ را نیز به هم گره می‌زنند و وحدتی را به وجود می‌آورند. جوی ها، بسته به نوع باغ، بر محورهای مختلف شکل می‌گیرند. آب در چهارباغ ها، روی دو محور اصلی، به صورت نهر، آبشده یا آب نما و در محل تقاطع دو محور، درحوض و فواره ظاهر می‌شود. این نظم، در اکثرکوشک باغ های ایرانی بعد از اسلام دیده می‌شود. باغ فین کاشان، بر دو محور اصلی، و کوشک اقامتی در محل تقاطع آن ها شکل گرفته است. هشت بهشت، موزه عناصر معماری آب، گراگرد کوشک خود، یک چهارباغ است. باغ نظر شیراز از دوره زندیه، در تقاطع دو آب نمای مستطیل شکل، روی دو محور، کوشک زیبایی دارد و باغ را به چهارقسمت تقسیم کرده است. (مور، ۱۳۸۸)



تصویر ۵-۶، باغ فین کاشان

سطح: تجلی سطح در طبیعت، آبگیرها و دریاچه ها هستند که حوض و استخر، الهام گرفته از آن است. برخلاف چشمه ها و فواره ها که نماد پویایی و جنبش هستند، آبگیر و استخر را آرام و برای آرامش می‌بینیم. به همین دلیل است که می‌توان، انعکاس را در آن دید. تصاویر مناظر و بناها در آن، محیط را بسط می‌دهد. همان طور که اشاره شد، در نزدیکی عمارت ها، استخرهایی با بُعد طولی زیاد می‌ساختند تا انعکاس عمارت در آن، شکوهی وصف نشدنی داشته باشد. حوض های جلوی بناها، مکمل معماری هستند و مانند آینه، آن ها را در خود منعکس می‌کنند که نمونه بارز آن، چهل ستون اصفهان است.



بحث و نتیجه‌گیری

آب از دیرباز در سرزمین کهن ایران جایگاه ویژه‌ای در میان مردم داشته است. در این میان، هنر باغ‌سازی ایرانی، از زمان حضور آب، به استقبال بی نظیری از آن می‌پردازد و مقدمش را چنان در خور پاس می‌دارد که آن را با شیوه‌ای سنجیده و هنرمندانه در باغ جاری می‌سازد که گویی روحی در جان باغ می‌دمد و حیات را در یکایک رگ‌های آن به جریان می‌اندازد و تار و پود باغ ایرانی را برای همیشه با آب به هم می‌بافد. آب در مسیرها جاری می‌گردد، در حوض‌ها و آب‌نماها شکوه خود را به نمایش می‌گذارد و در آبشارها و فواره‌ها فریاد برمی‌آورد تا هنر و تمدن دیرینه ایران را یادآور شود. اکثر باغ‌های کهن ایرانی، در مناطق کویری و گرم و خشک، و در نزدیکی قنات و یا چشمه‌ای ساخته شده‌اند. سرسبزی این باغ‌ها، در دل گرما، با حضور و عبور جویبار در میان آن، هوای مطبوعی را ایجاد می‌کند. با بررسی باغ‌ها، به این اجماع می‌رسیم که نحوه کلی بهره‌گیری از آب در باغ‌های ایرانی در نقاط مختلف، یکسان است اما ذوق معمار و فرهنگ هر منطقه، میزان استفاده از آن شیوه‌ها را، متغیر می‌کند.

منابع

- قرآن کریم.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۲۴، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات جاویدان.
- شیخ صدوق، مدرس گیلانی، ۱۳۶۲، الخصال، تهران، انتشارات جاویدان.
- محمودی نژاد، هادی و صادقی، علیرضا، ۱۳۸۸، باغ ایرانی از منظر بهشت قرانی، ماهنامه شهر و منظر، شماره ۲.
- مور، چارلز ویلارد، ۱۳۸۱، آب و معماری، هدی علم الهدی، تهران، انتشارات میراث فرهنگی.
- نعیم، علیرضا، ۱۳۸۵، باغ‌های ایرانی، چاپ ششم، تهران، انتشارات پیام.
- نقی زاده، محمد، ۱۳۸۴، جایگاه طبیعت در شهرهای اسلامی، تهران، انتشارات اهورا.
- ویلیبر، دونالد، ۱۳۴۸، باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن، ترجمه: مهین دخت صبا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دانشدوست، یعقوب، ۱۳۶۹، طبس شهری که بود: باغهای طبس. - چاپ اول. - تهران: سروش.
- خوانساری، مهدی، مقتدر، محمدرضا و یآوری، مینوش، ۱۳۸۳، باغ ایرانی بازتابی از بهشت، مهندسی مشاور آران. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- فرخ یار، حسین، ۱۳۷۵، بهشتی در حاشیه کویر: معماری باغ فین کاشان. - چاپ اول. - بی‌م (کاشان): هیات امناء شاهزاده هادی (ع) فین.